

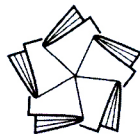
د فرهنگ خودزیستن

و

به فرهنگ های دیگر نگرستن

سی گفتار درباره ی فرهنگ

علی بلوکباشی



نشر گل آذین

۱۳۸۸

فهرست

۱۵ به جای مقدمه: فرهنگ قومی و همبستگی ملی
۲۳ نکته‌هایی درباره‌ی کتاب

بخش یکم / ۲۹

فرهنگ: کلیات

۳۱ فصل ۱. فرهنگ و تمدن
۳۱ فرهنگ: معنا و مفهوم
۳۴ فرهنگ: یک پدیده‌ی اجتماعی
۳۵ تمدن: معنا و مفهوم
۳۹ ویژگی‌های بازشناسنده میان تمدن و فرهنگ
۷ سخن پایانی
۴۲ فصل ۲. بقایای فرهنگی
۵۰ فصل ۳. فرهنگ سنتی و نهادهای مردمی
۵۵ فصل ۴. فرهنگ عامه (فُلکُور)
۵۵ واژه‌ی فُلکُور
۵۶ پیشینه‌ی اصطلاح فُلکُور
۵۶ تعریف و قلمرو فُلکُور
۵۹ زمینه‌ی اجتماعی فُلکُور
۶۰ بُعد زمانی فُلکُور
۶۱ واسطه‌ی انتقال فُلکُور
۶۳ همبستگی فُلکُور با مردم‌شناسی
۶۴ پویایی فُلکُور
۶۵ نقش فُلکُور و اهمیت بررسی و گردآوری آن
۶۶ مفهوم فُلکُور و قلمرو آن در ایران
۷۳ تقسیم‌بندی فرهنگ عامه
۸۰ فرهنگ عامه در آثار پیشینیان

فصل ۵. فرهنگ زندگی یا «با خود بیگانگی فرهنگی»	۸۷
فصل ۶. در فرهنگ خود زیستن و به فرهنگ‌های دیگر نگرستن	۹۶
مقدمه	۹۶
عرصه‌های فرهنگی	۹۷
اجتماعی کردن کودک	۱۰۲
مکتب نو ادبی در داستان‌نویسی و ترانه‌پردازی	۱۰۷
تصویرسازی برای کتاب کودک	۱۱۳
سخن پایانی	۱۱۶
کتاب‌نامه	۱۱۸

بخش دوم / ۱۲۳

فرهنگ: زبان و ادبیات عامه

فصل ۱. زبان‌های رمزی در ایران	۱۲۵
مقدمه	۱۲۵
پیشینه	۱۲۶
گونه‌های زبان لوتراپی	۱۳۰
لوتر کولی	۱۳۱
لوتر درویشی	۱۳۷
لوتر یهودی	۱۳۸
لوتر مطربی	۱۳۸
لوتر آسیابانی	۱۴۰
لوتر زرگری	۱۴۰
فصل ۲. زبان‌ها و گویش‌های مردم خوزستان	۱۴۵
پیشینه‌ی تاریخی	۱۴۵
پژوهش در گویش و ادبیات عامه‌ی مردم خوزستان	۱۴۷
پژوهش در گویش و ادبیات عامه‌ی مردم شوشتر	۱۴۷
پژوهش در گویش دزفولی	۱۴۸
پژوهش در ادبیات عامه‌ی مردم دزفول	۱۵۱
فصل ۳. بررسی و تحلیل واژه‌ی «دوال» و ترکیبات و معانی آن	۱۵۲
واژه‌ی دوال و معانی آن	۱۵۲
دوال و صورت‌های دیگر آن	۱۵۸

دوال و ترکیبات آن	۱۵۹
معنی کنایه‌ای و اصطلاحی دوال‌بازی، دوال‌بازی و تسمه‌بازی	۱۶۳
افسانه‌هایی از دوالپا	۱۶۴
فصل ۴. ادبیات عامه	۱۷۱
تعریف	۱۷۱
تقسیم‌بندی ادبیات عامه	۱۷۲
ادبیات عامه	۱۷۳
زبان و بیان و محتوای ادبیات عامه	۱۷۴
ادبیات عامه برای کودکان	۱۷۵
اختلاف روایت‌ها	۱۷۶
نقش و اهمیت	۱۷۷
فصل ۵. چیستان	۱۸۰
تعریف	۱۸۰
پیشینه	۱۸۱
انواع چیستان	۱۸۳
معما	۱۸۵
ترکیب ساختی چیستان	۱۸۶
فصل ۶. ادبیات شفاهی بلوچ	۱۹۲
مقدمه	۱۹۲
طبقه‌بندی اشعار	۱۹۴
صورت‌های شعر	۱۹۷
راویان شعر بلوچ	۱۹۷
شیوه‌های آوازخوانی	۱۹۸
پیشینه‌ی اشعار حماسی - پهلوانی	۱۹۸
کتاب‌نامه	۲۰۰

بخش سوم / ۲۰۵

فرهنگ: دانش و فن آوری در حوزه‌ی فرهنگ عامه

فصل ۱. گاه‌شماری در مازندران	۲۰۷
فصل ۲. صنایع قومی	۲۱۳
ارزش و اعتبار تحقیق	۲۱۳

۲۱۵	صنایع قومی، محمل انتقال هنجارها و ارزش‌های فرهنگی
۲۲۵	فصل ۳. خیشخانه: کهن‌ترین دستگاه تهویه مطبوع
۲۲۵	مقدمه
۲۲۷	خیش
۲۲۸	خیشخانه
۲۲۹	انواع خیشخانه
۲۳۳	سخن پایانی
۲۳۶	فصل ۴. آسیا: کهن‌ترین دستاورد فنی ایرانیان
۲۳۶	مقدمه
۲۳۸	آسیای دستی یا دستاس
۲۳۹	آسیای آبی یا آسیاب
۲۴۲	انواع آسیاب
۲۴۳	آسیای بادی یا آسیاد
۲۴۷	آسیای ستوری
۲۵۸	فصل ۵. نان و نانوایی در تهران
۲۵۸	مقدمه
۲۶۰	سنگک‌پزی
۲۶۰	واژه‌ی سنگک و پیشینه‌ی سنگک‌پزی
۲۶۲	افزار کار
۲۶۶	مواد کار
۲۶۷	کارگران
۲۷۱	دستمزد کارگران
۲۷۳	شیوه‌ی خمیر درست کردن
۲۷۵	شیوه‌ی نان پختن
۲۷۷	چگونگی‌های آرد نان سنگک
۲۷۷	چگونگی‌های خمیر نان سنگک
۲۷۸	چگونگی نان‌های سنگک
۲۷۹	آئین شاطر شدن
۲۸۰	رقص شاطری
۲۸۱	چند رسم و باور
۲۸۳	واژه‌ها و اصطلاح‌های ویژه

۲۸۹	تافتون‌پزی
۲۸۹	واژه‌ی تافتون و معنای آن
۲۹۰	پیشینه
۲۹۱	افزار کار
۲۹۴	دستگاه‌های خمیرگیری، نان‌پزی و تنور
۲۹۵	مواد کار و سوخت تافتون‌پزی
۲۹۶	کارگران
۲۹۷	دستمزد کارگران
۲۹۸	شیوه‌ی خمیر ساختن
۲۹۹	شیوه‌ی نان پختن
۳۰۰	خصوصیات نان‌های تافتون
۳۰۱	شیوه‌ی ساختن تنور تافتونی
۳۰۳	واژه‌ها و اصطلاح‌های ویژه
۳۲۰	فصل ۶. معماری و آرایه‌بندی قهوه‌خانه‌های سنتی
۳۲۱	معماری قهوه‌خانه‌های اولیه
۳۲۲	همبستگی قهوه‌خانه با نهادهای دیگر
۳۲۲	معماری و نقش اجتماعی سرپینه‌ی حمام
۳۲۳	شکل‌گیری معماری خاص قهوه‌خانه
۳۳۲	کتاب‌نامه

بخش چهارم / ۳۳۷

فرهنگ: هنر در حوزه‌ی فرهنگ عامه

۳۳۹	فصل ۱. تصویرگری عامه
۳۳۹	مقدمه
۳۴۱	نقاشی قهوه‌خانه
۳۴۴	قوللر آفاسی
۳۴۶	محمد مدبّر
۳۵۴	فصل ۲. شمایل‌نگاری سنتی
۳۵۴	مقدمه
۳۵۵	شمایل‌نگاری مذهبی
۳۵۷	دیوارنگاری

بخش پنجم / ۴۲۹

فرهنگ: مناسک و شعایر آئینی - مذهبی

۴۳۱	فصل ۱. تابوت گردانی: نمایش تمثیلی قدسیانه
۴۳۱	مقدمه
۴۳۲	تابوت گردانی در ایران
۴۳۳	پیشینه‌ی تابوت گردانی در جامعه‌ی شیعی
۴۳۶	انگاره‌سازی بر بنیاد نمونه‌های ازلی و اسطوره‌ای
۴۳۷	تابوت شهادت، مظهر قدرت خداوندی
۴۴۱	نتیجه: نقش تابوت گردانی
۴۴۷	فصل ۲. حدیث شهادت در حاشیه‌ی کویر
۴۴۷	مقدمه
۴۴۷	مرگ سیاوش
۴۴۹	دو واقعه
۴۵۲	قالی شویان: آئینی در سوگ شهید
۴۵۳	پیش‌زمینه‌های فرهنگی
۴۵۷	عناصر مشترک حماسه‌ی کربلا و شبه‌حماسه‌ی اردهاال
۴۵۸	سخن پایانی
۴۶۳	فصل ۳. مفاهیم و نمادگاراها در طریقه‌ی قادری
۴۶۳	زندگینامه‌ی بنیانگذار طریقت
۴۶۵	پیشینه‌ی طریقت
۴۶۶	سلسله‌ی شیوخ طریقت
۴۶۸	زندگینامه‌ی شیخ بایوه
۴۶۹	تلقین و آئین تشرّف
۴۷۲	مفاهیم نمادین تلقین
۴۷۵	ذکر جمعی و آداب آن
۴۸۱	نقش موسیقی در ذکر درویشان
۴۸۲	شیخ و تصویر استعاری و نقش نمادین او
۴۹۱	فصل ۴. هویت‌سازی اجتماعی از راه بادزُدایی گشتاری
۴۹۱	مقدمه
۴۹۲	ثنویت در تفکر ایرانی
۴۹۳	انواع بادها و نظام تسخیر باد

۳۶۱	نقاشی قهوه‌خانه
۳۶۳	سخن پایانی
۳۷۲	فصل ۳. آرمان‌گرایی در معماری تزئینی
۳۷۲	مقدمه
۳۷۳	منبع الهام معماران
۳۷۴	شیوه‌ی کاربرد الهامات
۳۷۴	دسته‌بندی نقش‌ها
۳۷۵	آذین‌بندی گیاهی
۳۷۶	کتیبه‌بندی آذینی
۳۷۹	شمایل‌پردازی
۳۷۹	آذین‌بندی‌های آرمان‌گرای دیگر
۳۸۰	سخن پایانی
۳۸۵	فصل ۴. فراز و فرود موسیقی
۳۸۵	مقدمه
۳۸۷	نظام کهن نغمه‌نگاری موسیقی
۳۸۸	دوره‌ی فروپاشی موسیقی
۳۸۹	شکل‌گیری دوباره‌ی موسیقی علمی
۳۹۲	ارزش و اعتبار موسیقی و نوازندگی
۳۹۸	فصل ۵. بالابان
۳۹۸	تعریف
۳۹۹	پیشینه
۴۰۰	واژه‌ی بالابان
۴۰۲	حوزه‌ی جغرافیایی کاربرد بالابان
۴۰۶	فصل ۶. نمایش‌های زنانه در تهران
۴۰۶	مقدمه
۴۱۰	نَبِه غُلام حُسینی
۴۲۰	خاله غربالی یا خاله دیگ به سر
۴۲۴	کتاب‌نامه

پیوند روح - بادها با گروه‌های اجتماعی	۴۹۴
علایم حلول و تسخیر	۴۹۵
احضار و تسخیر روح	۴۹۶
هویت‌سازی اجتماعی	۴۹۷
شایسته‌ها و ناشایسته‌ها	۴۹۹
سخن پایانی	۵۰۰
فصل ۵. زایمان	۵۰۵
سیسمونی فرستادن	۵۰۵
زایش	۵۰۶
ناف‌بران	۵۰۷
ختنه کردن	۵۰۹
ختنه‌سوران	۵۱۰
گوش سوراخ کردن	۵۱۰
شب شش	۵۱۱
نامگذاران	۵۱۱
حمام زایمان	۵۱۲
چله‌ی نوزاد	۵۱۴
فصل ۶. مرگ	۵۱۷
آداب پیش از مرگ	۵۱۷
آداب پس از جان‌کندن	۵۱۸
بلند کردن و تشییع جنازه‌ی مرده	۵۱۸
شستشو دادن و کفن پوشاندن	۵۱۹
خاکسپاری	۵۲۱
سوگواری مرده	۵۲۳
گورستان‌ها	۵۳۱
کتاب‌نامه	۵۳۶
نمایه‌ها	۵۴۱
نمایه‌ی موضوعی	۵۴۳
نمایه‌ی عمومی	۵۵۵
نمایه‌ی کتاب‌ها و مقاله‌های فارسی و عربی	۵۹۲
نمایه‌ی کتاب‌ها و مقاله‌های خارجی	۶۰۱
نمایه‌ی عکس‌ها و طرح‌ها	۶۰۶

به جای مقدمه

فرهنگ قومی و همبستگی ملی

ایران سرزمینی است در برگیرنده‌ی گروه‌های قومی، زبانی و دینی گوناگون. هر یک از این گروه‌ها، به ویژه گروه‌های قومی غیرایرانی مهاجر ترک (غیرترک‌زبانان آذربایجان)، ترکمن و عرب فرهنگ و زبان ویژه‌ی جامعه‌ی خود را دارند، که جدا از فرهنگ و زبان قوم‌های ایرانی گرد، لُر، بلوچ و مانند آن‌ها بوده است. فرهنگ‌های این اقوام ایرانی و غیرایرانی با همه‌ی گونه‌گونی به سبب همزیستی تاریخی - اجتماعی طولانی در سرزمین ایران در برخی وجوه، قرابت‌ها و اشتراکاتی دارند که آن‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کند و میان مردم آن‌ها یک همبستگی فرهنگی و یک باور و آرمان جمعی پدید می‌آورد. این همبستگی فرهنگی تنیده با تار و پود باورها و آرمان‌های جمعی، فرهنگ ملی یا وحدت ملی ایرانیان را در پهنه‌ی جغرافیای سیاسی سرزمین ایران جلوه‌گر می‌سازد و قوم‌های متشکله‌ی ملت ایران را به هم می‌پیوندد و وحدت ملی را به مفهوم فرهنگی آن پدید می‌آورد.

مشترکات فرهنگی در میان فرهنگ‌های قومی در جغرافیای سیاسی سرزمین ایران فرهنگ ملی ایرانی را شکل می‌دهد و مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی و مشترکات فرهنگی و دینی - مذهبی میان فرهنگ ملی ایران و فرهنگ‌های ملی سرزمین‌های دیگر اسلامی، تمدن اسلامی را در جهان پدید می‌آورد که سهم فرهنگ ایران در ساختن و تعمق بخشیدن به تمدن اسلامی بسیار برجسته و از ارکان اصلی و شکوه‌مند تمدن اسلامی و گسترش آن در جهان است.

یکی از شاخصه‌های برجسته و اصلی فرهنگ‌های قومی ایران، زبان مادری

فصل ۱

فرهنگ و تمدن

فرهنگ: معنا و مفهوم

اصطلاح «فرهنگ» در زبان و ادب فارسی معانی گوناگون دارد. در آثار قدما، کلمه‌ی فرهنگ به معنای دانش، ادب، آموزش و پرورش، هنر، فن، خرد، هوش، چاره، تدبیر و مانند آن‌ها به کار رفته است. کتاب لغت، لغت‌نامه یا واژه‌نامه نیز از معانی دیگر آن است. کاربرد اصطلاح فرهنگ در برابر و به معنا و مفهوم اصطلاح «کولتور» یا «کالچر»^۱ در زبان‌های فرانسوی و انگلیسی، از کاربردها و مفاهیم تازه‌ی این واژه در حوزه‌ی دانش‌های اجتماعی است که از آغاز قرن چهاردهم هجری شمسی در زبان و نوشته‌های علمی و تحقیقی فارسی راه یافته است.^۲

ادوارد تیلر^۳ نخستین مردم‌شناسی بود که تعریف جامع و دقیقی از «فرهنگ» بر اساس یک دیدگاه علمی تازه در حوزه‌ی تفکرات اجتماعی، در کتاب فرهنگ ابتدایی^۴ (۱۸۷۱م) در میانه‌ی دوم قرن نوزدهم ارائه داد. او در تعریف فرهنگ می‌نویسد:

«فرهنگ یا تمدن مجموعه‌ای پیچیده از معرفت، عقاید، هنر، اخلاقیات، قوانین، آداب و همه‌ی قابلیت‌ها و عادات دیگری است که انسان چون عضوی از جامعه آن‌ها را می‌آموزد.» (تیلر، ۱۸۷۱: ۱).

تعریف تیلر از فرهنگ در یک صد و سی سال پیش، تعریفی ظریف، دقیق،

1 . culture

۲ . برای آگاهی از کاربرد و مفاهیم مختلف فرهنگ در زبان و ادب فارسی نگاه کنید به کتاب فرهنگ، نوشته‌ی دکتر صادق‌کیا، ۱۳۴۹؛ و مقاله‌ی «مفاهیم فرهنگ در ادبیات فارسی»، نوشته‌ی رضا ثقفی، مجله‌ی فرهنگ و زندگی، ش ۱، دی ۱۳۴۸.

3 . E. Tylor

4 . Primitive Culture

جامع، بامعنا و مفهومی تازه و فراگیرنده‌تر از تعریف‌هایی بود که دانشمندان علوم اجتماعی پیش از او از فرهنگ داده بودند. تا چند دهه‌ی پیش، مردم‌شناسان و بسیاری از دانشمندان و متفکران اجتماعی و پژوهشگران در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی، تعریف کلاسیک و بدیع تیلر را به عنوان مفهومی دقیق و مناسب برای اصطلاح فرهنگ پذیرفته بودند و کم و بیش با چنین دیدگاهی به فرهنگ می‌نگریستند. در سی‌چهار سال اخیر اصطلاح «فرهنگ» و یافتن یک معنا و مفهوم فراگیر برای آن، ذهن بیشتر عالمان اجتماعی، به ویژه مردم‌شناسان را به خود مشغول داشته و از مباحث عمده‌ی اشتغالات فکری آنان بوده است. تا کنون چند صد تعریف از مفهوم فرهنگ در دست است.^۱ اختلاف در این تعاریف به اندازه‌ای زیاد است که هرگاه مردم‌شناسی یا پژوهشگری بخواهد در زمینه‌ی رفتارها و مسائل فرهنگی مردم در جامعه، پژوهشی تحلیلی ارائه دهد، نخست باید تلقی و دیدگاه خود را از مفهوم فرهنگ روشن کند تا خوانندگان در فهم و دریافت نظر او در تحلیل رفتارهای اجتماعی - فرهنگی دچار اشکال نشوند.

تعاریفی که از فرهنگ کرده‌اند، براساس تحقیق و تحلیل کروبر^۲ و کلوکهن^۳، و با در نظر گرفتن ویژگی‌های عمده‌ی هر تعریف، و تأکید اصلی هر تعریف بر مورد یا مواردی از ویژگی‌ها، کلاً در شش گروه قرار می‌گیرند که عبارتند از: تعریف‌های توضیحی، تاریخی، هنجاری، روانشناختی، ساختی و تکوینی. (کلوکهن، ۱۹۶۴: ۱۶۶) اشاره به چند نمونه از این تعاریف‌ها، تا حدودی اختلاف نظر و آرای دانشمندان را در مفهوم فرهنگ روشن می‌کند.^۴

ربرت ردفیلد^۵، مردم‌شناس آمریکایی، در فرهنگ عامه‌ی یوکتان^۶ (۱۹۴۱ م) فرهنگ

۱. برای آشنایی با این تعاریف نک: داریوش آشوری، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران، مرکز اسناد فرهنگی، ۱۳۵۷.

۲. A. L. Kroeber

۳. C. Kluchhohn

۴. همچنین نک: «چند تعریف از فرهنگ»، نوشته‌ی ثریا شیبانی، مجله‌ی فرهنگ و زندگی، ش ۲، خرداد ۱۳۴۹.

۵. R. Redfield

۶. Folk Culture of Yucatan

را «مجموعه‌ای از دریافت‌های مشترک» تعریف کرده است. ردکلیف - براون^۱ و برانیسلاو مالینوفسکی^۲، دو تن از بنیانگذاران مکتب کارکردگرایی در مردم‌شناسی بریتانیا، هر یک با دیدی خاص به فرهنگ نگریسته و مفهوم و معنایی خاص از آن داده‌اند. ردکلیف - براون در علم طبیعی جامعه^۳ (۱۹۵۷ م) فرهنگ را «مجموعه‌ای از مقررات»، و مالینوفسکی در نظریه‌ی علمی فرهنگ^۴ (۱۹۴۴ م) آن را «پاسخی به نیازهای انسانی» توصیف کرده‌اند. برخی از دانشمندان نیز برای متمایز کردن مفهوم فرهنگ از جامعه تعبیری تمثیلی از فرهنگ داده‌اند. مثلاً، تالکوت پارسونز^۵، جامعه‌شناس آمریکایی، در نظام اجتماعی^۶ (۱۹۵۱ م) به فرهنگ همچون مقوله‌ای نمادی و ارزشی می‌نگرد و «آثار فرهنگی» را «عناصری نمادین از سنت فرهنگی، عقاید یا باورها، مظاهر بیانی یا انگاره‌های ارزشی» توصیف می‌کند (نک: فاکس، ۱۹۶۸: ۴۸).

فرهنگ را به «انواع رفتار آموخته»، «چیزی مجرد و جدا از رفتار»، «چیزی نامحسوس»، «نظام دفاعی روانی»، «رسوبی از کنش‌های متقابل اجتماعی»، «میراث اجتماعی آدمیزادگان»، «تجلیاتی از زندگی» و «جریان عقاید» و مانند آن‌ها تعبیر و تفسیر کرده‌اند (کلوکهن، ۱۹۶۴: ۱۶۵-۱۶۸).

نتیجه. فرهنگ را می‌توان به مجموعه‌ای از رفتارها، عقاید و آداب جمعی اطلاق کرد که شیوه‌ی زندگی پدیدآورندگان و به کاربرندگان این سنت‌ها در فرهنگ شکل و هویت می‌گیرد و روابط اجتماعی شان با آن تبیین و نمودار می‌گردد.

فرهنگ ساخته‌ی اندیشه و دست آدمیزاده است و از راه زبان، زبان رمز و اشاره، خط و نوشته، نقش و نگار، اسباب و ابزار و وسایل و اشیا از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و همچون میراث مادی و معنوی در تاریخ حیات اجتماعی نوع بشر استمرار و دوام می‌یابد. بسیاری از جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان میزان سادگی و پیچیدگی این میراث اجتماعی را، در هر دو صورت مادی و معنوی آن، وجه متمایز فرهنگی میان جامعه‌های جهان شناخته‌اند.

1. Radcliffe-Brown

2. B. Malinowski

3. A National Science of Society

4. A Scintific Theory of Culture

5. Talcott Parsons

6. Talcott Parsons